

نصیحتی برای برادران مؤمنم:

در این شماره می خوانیم:

تبلیغ و تبیین حقیقت دین در دوران
امام باقر علیه السلام

حرکت از خود محوری به خدا محوری،
وظیفه فردی هر انسان

چگونه یک انسان می تواند ۹۵
سال زنده باشد؟



به دست آوردن عقاید از قرآن تفسیر شده با روایات اهل بیت علیهم السلام و انتشار آن در جامعه اسلامی، تا اینکه تبدیل به جامعه دینی عقیدتی شود، که اگر کوه ها فرو ریزند، جامعه از عقاید قرآنی صحیحش کوتاه نیاید؛ تا به این ترتیب این جامعه اسلامی برای استقبال و یاری دادن امام مهدی علیه السلام آماده شود.

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیشروان

فهرست

- ۳.....حرکت از خودمحوری به خدامحوری، وظیفه فردی هر انسان
- ۶.....تبلیغ و تبیین حقیقت دین در دوران امام باقر علیه السلام
- ۸.....چگونه یک انسان می تواند ۹۵۰ سال زنده باشد؟
- ۱۱.....جدول شماره دوم
- ۱۳.....حل جدول شماره اول
- ۱۴.....حالات شک و تردید در نماز
- ۱۸.....توصیف مهدی علیه السلام و یمان علیه السلام



هفته نامه زمان ظهور

شماره ۱۰۳، جمعه ۱ مرداد ۱۴۰۰، ۱۳ ذوالحجه
۱۴۴۲، ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
www.zamanezohoor.com



هرگونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والهجرة النبوية
والجنت المصطفوية

حرکت از خود محوری به خدا محوری، وظیفه فردی هر انسان

به راستی جاده این راه چیست؟ ایمان قلبی موتور حرکت در این راه است؛ خصلت ها و فضائل اخلاقی، آذوقه و توشه این راه است، که راه و حرکت را برای انسان آسان و تسهیل می کند و سرعت می بخشد. تقوا هم عبارت است از خویشن پایی؛ مواظب خود باشد که از این راه تخطی و تجاوز نکند. اما کسانی هستند که معتقدند اگر دیگران از آنچه من هستم خبر نداشته باشند یا اگر خبر داشته باشند مطمئن نباشند، یا حتی اگر مطمئن باشند من چرا به آن ها این اجازه و فرصت را بدهم که از من استفاده و سوءاستفاده کنند.

بنابراین به جای خود ناپسندی، با خود پسندی زندگی می کنند؛ یعنی خود را برتر و بالاتر می دانند در حالی که در ته و عمق وجود خودشان می دانند شاید موشی بیشتر نیستند، لباس شیر بر تن می کنند و نعره می کشند؛ بنابراین از این طریق کوشش می کنند که آنچه را که ندارند به گونه ای پیدا کنند، یا احتمالاً چنین پیامی را به دیگران برسانند.

به عنوان مثال می گویی لباس فاخر بیوشم برای فلان مهمانی؛ به هر حال پوشیدی و مهمانی هم تمام شد... به راستی چه به دست آوردی؟ کدام جنبه خود را در این قدمی که برداشتی پرورش دادی؟ خودپرستی یا خداپرستی؟

بنابراین این افراد فقط آنجا که مورد تعریف و تمجید و ستایش قرار می گیرند، آنجا که احتمالاً به نوعی مورد احترام و حرمت واقع شوند یا در شرایط و وضعیتی قرار بگیرند که به هر حال خودشان را برتر و بالاتر ببینند و یا دیگران آن ها را چنین تصور کنند تا حدودی آرام می گیرند.

مولایمان سید احمد الحسن علیه السلام در کتاب شریف سفر

ما انسان ها اغلب در پشت نقاب خود دوستی، عزت نفس، اعتماد به نفس گرفتار دام یا تله خودشیفتگی و خودپرستی می شویم.

در اسلام انسان در نگاه اول، یک رهرویی است که در راهی حرکت می کند، که اگر درست حرکت کند، این راه، او را به ساحت جمال و جلال الهی وارد خواهد کرد؛ او را به خدا خواهد رساند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد). (انشقاق آیه ۱۶)

اگر بخواهیم این راه را تعریف کنیم، در یک جمله کوتاه می شود گفت این راه، عبارت است از مسیر خودپرستی تا خداپرستی.

انسان از خودپرستی به سمت خداپرستی حرکت کند. مسیر صحیح و صراط مستقیم این است. مسئولیت فرد انسان در این نگاه، این است که این مسیر را طی کند. یکایک ما مخاطب این خطاب هستیم؛ دیگران بروند، نروند؛ حرکت کنند، نکنند؛ دنیا را ظلمات کفر بگیرد یا نور ایمان بگیرد، از این جهت تفاوت نمی کند. وظیفه هر فردی این است که در این راه حرکت کند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته اید، گمراهی کسانی که گمراه شده اند، به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ و شما را از آنچه عمل می کردید، آگاه می سازد). (مائده آیه ۱۰۵)

زیرا با اصلاح تفکر و عملکرد یک انسان در واقع یک جامعه اصلاح خواهد شد.

پس انسان باید این حرکت را انجام دهد؛ حرکت از ظلمت به نور، از ظلمت خودخواهی به نور توحید.

سید احمد الحسن علیه السلام:

می توان به کسی که مؤمن نیست کمک مالی کرد؛ اما در خصوص اجر و پاداش، بله، (کمک) به هر موجود زنده ای پاداش دارد.

(پاسخ های فقهی، جلد ۱، سؤال ۸۶)

خودبرتری یعنی عروسک خیمه شب بازی هستیم و خودمان را به نمایش می گذاریم و نیازمند دیدن مردم هستیم و زمانی که نمایشمان تمام شد همه تنهایمان می گذارند. به راستی همین را می خواهیم؟

کاری کنیم که نمایشمان در ملکوت زیبا باشد؛ زیرا آنان نه تنها، تنهایمان نمی گذارند بلکه مدام در پی دیدنمان هستند و برایمان شور و شادی به پا می کنند.

مثالی بزنیم: همیشه می خواهیم خداوند به ما مال کلانی برساند که به بندگان کمک کنیم و در کنارش خودمان هم به نوایی برسیم. خب ابتدا باید بگوییم هدفمان از کمک چیست؟ و اگر برای بندگان خدا می خواهیم کمک کنیم چرا دعا نمی کنیم همان بندگان پولدار شوند؟ چرا برای پولداری خودمان دعا می کنیم.

کجای کار می لنگد؟ خودمان یا دعایمان؟

مولایمان سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید:

«اینکه زندگی ات را برای رفاه خود یا برای خانواده و نزدیکانت یا حزب و گروهت سپری کنی، این گونه زندگی کردن تو را از زندگی هیچ حیوان دیگری - که در زندگی بر روی این زمین با ما مشترک است - چندان متفاوت نمی کند.

اما آنچه به زندگی تو معنای انسانی و ارزشی حقیقی

موسی به مجمع البحرین می فرمایند:

«این حق است و حق را می گویم: ما باید به بالا چشم بدوزیم تا عجز خود را بشناسیم و ارتقا یابیم، نه اینکه به پایین تر از خود نظر بیندازیم تا به کمال خود فخر بفروشیم و هلاک شویم.»

حقیقت آن است که بسیاری از افراد بر این پندار و گمان اند که در اوج قرار دارند؛ اما هیچ کدام از آن ها در اوج جای ندارند. و کسانی که واقعاً بین مردم در قله هستند، خود را در اوج نمی بینند، یا چنین عقیده ای ندارند؛ زیرا آن ها به سادگی دریافته اند که این یک اوج و قله موهومی است و فاقد حقیقت است؛ لذا چطور می توان آن را اوج نام نهاد و حال آنکه وضعیتش نسبت به مافوقش صفر است؛ چراکه او مطلق و نامتناهی است؛ چطور ممکن است آن ها خود را در اوج ببینند یا چنین باوری داشته باشند؛ در حالی که در نگاهشان این ها همگی ننگ و عار است؛ چراکه این، به معنای آن است که آن ها «من» بگویند و در کمال جسارت و گستاخی، در برابر خداوند سبحان و متعال قرار بگیرند. چه زیبا گفت مولایمان، به راستی که همیشه دست بالای دست بسیار است.

به هر درجه ای برسیم باز هم از ما بهتر وجود دارد.



سید احمد الحسن علیه السلام:

مستحب است به خانواده ات نیکی و محبت کنی؛ حتی اگر مؤمن نباشند.

(پاسخ های فقهی، مسائل متفرقه، جلد ۴، سؤال ۱۴۸)



خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده اند، رستگاران اند. (حشر، ۹) پس یادمان باشد یک بار این نفس سرکش ما را به پایین انداخت و از نور وارد ظلمت شدیم حال نگذاریم باز همین نفس سرکش ما را سرکوب شود. او را پرورش ندهیم و خودمان را خوار و ناسازیم. او را له کنیم و باورش نداشته باشیم.

و حواسمان باشد از کسی که بر اثر عُجب، تنها خود را می بیند، انتظار نمی رود که خدا را ببیند، تا در برابر بزرگی او فروتنی اختیار کند.

انسان باید برای هر کاری که انجام می دهد و قدمی که برمی دارد دلیلی داشته باشد و آن دلیل باید به ثمرهای مفید تبدیل شود.

سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید:

«هیچ خیری در فراوانی نماز و روزه و عبادت نیست، اگر تو را به سمت انصاف و ملاحظه با دیگران سوق ندهد؛ حتی با دشمنان.» (قسمتی از پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۵ مه ۲۰۱۸)

به فرموده امام علی علیه السلام:

«مواظب افکارت باش که گفتارت می شود، مواظب گفتارت باش که رفتارت می شود، مواظب رفتارت باش که عادتت می شود، مواظب عادتت باش که شخصیتت می شود، مواظب شخصیتت باش که سرنوشتت می شود.» (میزان الحکمه ج ۴ ص ۳۴۸۴)

کاش کمی واقع بینانه به همه جا و همه چیز نگاه می کردیم. به راستی تا به کی باید خودمان را گول بزنیم. حضرت عیسی علیه السلام در انجیل متی اصحاب ۱ می فرماید:

(چرا پرکاهی را در چشم برادرت می بینی، اما از چوبی که در چشم خودداری غافل؟ چگونه می توانی به برادرت بگویی «بگذار پرکاه را از چشمت به در آورم»، حال آنکه چوبی در چشم خود داری؟ ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پرکاه را از چشم برادرت بیرون کنی).

مراقب خودمان و دیگران باشیم مبادا در گودال استحقاق یا خودشیفتگی افتادیم و خبر نداریم!

والحمد لله رب العالمین

می افزاید، این است که زندگانیات را با اخلاص برای دیگرانی بگذرانی که هیچ ارتباط نزدیک یا منفعتی با آن ها نداری.» (سید احمد الحسن علیه السلام، (۲۱ آوریل ۲۰۱۶) مرز میان انسان و حیوان آنجاست که آدمی با وقف زندگی خود برای کسانی که هیچ ارتباطی با وی ندارند ارزشی حقیقی و معنای انسانی خود را پیدا کند. چنین اندیشه ای مرهون آراسته بودن صاحب اندیشه به زیور مکارم اخلاق است. رفتار عادلانه حتی با مخالفان بیهوده گو و هیچ کسی بر دیگری برتری ندارد مگر با تقوا.» با توجه به کلام مولایمان خوب است کمی با خودمان صادق باشیم:

مثلاً خودمان را ابراز کردیم، نام، نشان، گفتار، لباس و در همه چیز در برابر مردم برتر بودیم؛ و زبانزد خاص و عام شدیم. حال از دنیا می رویم و اعمالمان در حساب و کتاب است. به راستی که جسم و برتری های جسمانی ما وجود ندارند تا نجاتمان دهند. حالا روح و حقیقت ما به زبان می آید. حال باید خودمان را به پیشگاه الهی ابراز کنیم... می توانیم؟

می خواهیم حقیقتی را بگویم: در واقع با این گونه رفتارها می گوئیم، خدا را قبول نداریم بلکه خودمان را خدای خود کرده ایم.

کاش به روزی برسیم که برای ابراز روح به زحمت بیفتیم و بفهمیم که لباس فاخر با لباس ساده تفاوتی ندارد و هردوی آن ها جسم را می پوشاند؛ بفهمیم خوراک بریان با خوراک ساده تفاوتی ندارد و هردوی آن ها شکم را پر می کند؛ اما خوراک روح و آن چیزی که هرکسی به روح و نفسش می دهد متفاوت است؛ زیرا منشأ اتصال به ملکوتش را ثابت می کند.

مولایمان سید احمد الحسن علیه السلام می فرماید:

«اقرار به عجز و دوری از منیت و ذبح آن، از صفات برجسته و از مکارم اخلاق است که فرستادگان الهی از آن برخوردارند. کرم و سخاوت با وجود نیازمندی، راه مبارزه با منیت و خودبینی است؛ اما مبارزه با منیت و خودبینی در این عالم جسمانی، با مکارم اخلاقی که مهم ترین آن ها کرم و سخاوت است، امکان پذیر می شود.

خداوند می فرماید: ﴿وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾ [آن ها را بر خود مقدم می دارند، هرچند

سید احمد الحسن علیه السلام:

بهتر است از حکم به ناصبی بودن نزدیکان اجتناب کنید. بعضی از مردم از سرِ جهل و نادانی کاری انجام می دهند. آنان مستضعف و درگیر خود هستند. بهتر است با مهربانی با آنان رفتار کنید.

(پاسخ های فقهی، جلد ۱، سؤال ۸۶)

تشابه احمد الحسن (علیه السلام) با جد بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام)

تبلیغ و تبیین حقیقت دین در دوران امام باقر (علیه السلام)

از امام علی (علیه السلام) درباره جیش غضب (سیاه غضب) سؤال شد، فرمودند: «آن‌ها قومی هستند که در آخرالزمان می‌آیند؛ مانند ابرهای پاییزی جمع می‌شوند، یک نفر و دو نفر و سه نفر تا نه نفر، از هر قبیله. به خدا قسم که امیر آن‌ها را با اسمش می‌شناسم، و اینکه در چه مکان‌هایی می‌جنگند.» سپس برخاست و فرمود: باقر است (شکافنده است)، باقر است، باقر است. او شخصی از فرزندان من است احادیث را می‌شکافد چه شکافتنی!» الغیبة النعمانی ص ۳۲۵، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۴۷

شکی نیست که اگر فرصت و آزادی عمل برای هر کدام از امامان (علیهم السلام) پیش می‌آمد آن‌ها علوم و معارف را می‌شکافتند؛ اما تشابه باقر (شکافنده) بودن امام پنجم (علیه السلام) و وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) یعنی یمانی موعود، نوید انقلابی نوین در زمان ظهور را می‌دهد؛ انقلابی از نوع علم و معرفت که احیاکننده بی نظیر اسلام حقیقی است.

اسلامی که در دوران غیبت دچار بدعت‌های فراوان ناشی از تفسیر به رأی علما از روایات و قرآن شده است و اختلافات بسیاری که ناشی از دخالت ظن و گمان آن‌ها درباره دین است که علت آن عدم حضور حجت خداست...

او برسان.]] از امام محمد باقر ع روایات بسیاری برای در امان ماندن از فتنه‌های دوران غیبت و مخصوصاً زمان ظهور وجود دارد. ایشان در یکی از روایات معروف خود راه هدایت را برای شیعیان تبیین می‌کند و تنها راه نجات از سرگردانی را نشان می‌دهد.

امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «... در میان پرچم‌ها، پرچمی هدایت‌نگر از پرچم "یمانی" نیست و آن پرچم هدایت است و او شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند و اگر یمانی خروج کند فروش سلاح بر مردم و همه مسلمانان حرام می‌شود، و اگر یمانی خروج کند، به سوی او بشتابید، که پرچم او، پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست که از او سربیزی کند و هر کس این کار را بکند از اهل جهنم خواهد بود؛ چون او به سوی حق و راه مستقیم دعوت می‌کند.»

غیبة النعمانی، ص ۲۶۲، بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۳۲۲

استفاده از لقب "باقر" برای یمانی موعود با بررسی روایات حول وقایع و اشخاص زمان ظهور به توصیف امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره امیر جیش الغضب (یمانی) برخورد می‌کنیم؛

همان طور که واضح و آشکار است امام باقر (علیه السلام) شروع‌کننده انقلابی در روشنگری عقاید شیعه و راه و روش اسلام حقیقی است و شیعیان همواره خود را مدیون نهضت امام باقر (علیه السلام) می‌دانند؛ زیرا قبل آن، خفقان شدید و فشار حکومت، منزوی شدن ائمه ع و شیعیان آن‌ها را به دنبال داشت و بنی‌امیه در اوج قدرت نهایت جنایت را در حق اهل بیت (علیهم السلام) مرتکب شده بودند؛ اما در زمان امام پنجم شیعیان، حکومت بنی‌امیه متزلزل بود و همین امر باعث شد تا فرصتی مناسب برای پنجمین نور هدایت از خورشید امامت محیا شود.

امام محمد بن علی ع در نوزده سال امامت خویش لحظه‌ای در اصلاح عقیده و تبلیغ دین حق درنگ نکرد و علوم و معارف و روایات بسیاری از خود برجای گذاشت؛ تا جایی که لقب او را باقرالعلوم نهادند؛ هرچند قبل از آن در روایتی مشهور، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بشارت تولد این مولود را به جابر بن عبدالله انصاری داده بود و فرموده بود:

«بعد از من شخصی از خاندان مرا خواهی دید که اسمش اسم من و قیافه‌اش شبیه قیافه من خواهد بود. او درهای دانش را به روی مردم خواهد گشود...» [همچنین در روایتی آمده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سلام مرا به



و می‌شنوند و او در مکانش است.»
الكافي ط الإسلامیة ج ۸، ص ۲۴۱
سهل بودن ارتباط در زمان ظهور باعث شده تبلیغ دین و دعوت مبارک سید احمدالحسن یمانی علیه السلام توسط انصار و پیروان ایشان، سانسورها را بشکند و نشر علوم یمانی آل محمد همچون رود خروشان تمامی موانع را نابود کند. در حال حاضر سایت‌ها و صفحات رسمی دعوت در اکثر شبکه‌های اجتماعی با نظارت مکتب شریف ایشان در نجف اشرف فعالیت می‌کنند و با یاری انصارالله هر لحظه این درخت تنومند هدایت پربارتر و شاداب‌تر از قبل راهنمای جامعه انسانی است.

.....
*برید در فارسی به معنی ایمیل و پیک و پست و فضای مجازی است.

است و سید احمدالحسن علیه السلام با انتشار کتب خود در سایت‌ها و پاسخ‌گویی مستقیم در صفحه رسمی فیس‌بوک خود رسالت خود را به بهترین نحو به انجام رسانده است و پیروانی از تمامی اقشار جامعه از اندیشمندان و دانشمندان در تمامی نقاط دنیا کسب کرده است.

هرچند شرایط امنیتی و در خطر بودن جان احمدالحسن علیه السلام توسط مخالفان تفاوتی با زمان سایر امامان علیهم السلام نکرده، اما راه‌های ارتباطی از طریق اینترنت باعث شده این علوم همچون نسیم و نور خورشید وارد خانه‌ها شود...
امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «همانا قائم ما اگر قیام کند خداوند چیزی را به سمع و بصر شیعیان ما می‌رساند، تا اینکه بین مردم و قائم برید* باشد؛ پس او را می‌بینند

در چنین وضعیتی که دین خدا بدون سکان مانده بود سرانجام شکافنده علم در زمان ظهور، سید احمدالحسن یمانی علیه السلام دعوت خود را آغاز کرد و همچون جد بزرگوارشان امام باقر علیه السلام اسلام حقیقی را به شکل بی‌نظیری در همه زمینه‌ها احیا کرد.

استفاده از فرصت و ابزار جهت تبلیغ و تبیین حداکثری دین

سید احمدالحسن یمانی علیه السلام از اوصیای نبی اکرم صلی الله علیه و آله است که در وصیت شب وفات رسول خدا ص از او به عنوان اولین مهدی از مهدیون دوازده‌گانه یاد شده است که وظیفه ابلاغ ۲۷ حرف علم و تربیت یاران امام زمان علیه السلام را بر عهده دارد؛

و این علوم اکنون با استفاده از ابزارهای ارتباطی روز دنیا در حال انتشار



سید احمدالحسن علیه السلام:

کسی که مرا سب کند، من از او درمی‌گذرم؛ چرا که جواب دشنام، دشنام است یا بخشیدن و عفو کردن گناه.

(پاسخ‌های روشن‌گرانه، جلد ۵، سؤال ۵۱۲)



اشکالاتی به عمر نوح علیه السلام

چگونه یک انسان می تواند ۹۵۰ سال زنده باشد؟

را نمی شناسند، زبان قرآن را نیز نمی دانند. برای توضیح علمی مسئله به اختصار باید بگوییم: آنچه یک ناظر خارجی منظومه فیزیکی می بیند با آنچه یک ناظر داخلی می بیند متفاوت است و در نتیجه مثلاً هنگام انبساط یا انقباض در منظومه فیزیکی، قیاس های ناظر موجود در داخل منظومه کاملاً از قیاس های ناظر خارجی جداست؛ چون ناظر داخلی خود جزئی از منظومه است و در نتیجه مشمول انبساط و انقباض منظومه است؛ پس اسباب و عوامل قیاسش نیز مشمول همین کشش و انقباض منظومه هستند. این فرایند باعث می شود او از شناخت یا قیاس هر تغییر کلی که شامل همه منظومه می شود عاجز باشد.

این امر مانع این نمی شود که از لحاظ روحی اگر به مانند ما حیات نفسانی داشته باشد احساس کند که تغییر در منظومه رخ داده است یا افزایش سرعت یا کاهش سرعتی وجود دارد؛ همچنان که امروز بسیاری از مردم احساس می کنند که زمان شتاب گرفته، با اینکه آن ها وقتی زمان را اندازه گیری می کنند، درمی یابند که چیزی تغییر نکرده است.

برای توضیح این سخن مثالی ذکر می کنم: فرض می کنیم که انسانی در یک اتاق زندگی می کند و وسیله ای برای سنجش طول (مثلاً خط کش) در اختیار داشته باشد و از او بخواهیم که طول میزی را که در اتاق است اندازه بگیرد و قد خودش را با طول و ارتفاع آن بسنجد. بعد از آن اگر فرض کنیم که اتاق و آنچه در آن است به صورت فراگیر کشیده شود که از همه جهات مساوی باشد، اینک اگر از او بخواهیم که مجدداً آن میز را اندازه گیری و مقایسه کند، به این نتیجه می رسد که اندازه اش تغییر نکرده و اگر از او بخواهیم که قد خودش را با طول و

یکی از اشکالاتی که مخالفین خدا برای ضدیت با دین از آن استفاده سوء می کردند، عمر بسیار طولانی حضرت نوح علیه السلام بود؛ زیرا آن طور که در متون دینی اعم از تورات، انجیل و قرآن ذکر شده، حضرت نوح ع نهصد و پنجاه سال در قوم خود زندگی کرد. ولی علم با این قرائت از متون دینی هم خوانی نداشته، بلکه با یافته های علمی، امروزه کاملاً ثابت شده است که بدن انسان برای زندگی بسیار طولانی مناسب نیست.

در این بین کسانی تلاش کردند به این مسئله پاسخ گفته و تعارض پیش آمده بین علم و دین را حل نمایند. پاسخ هایی مانند عمر طولانی بعضی از درخت ها یا دیگر جانداران، عمر طولانی بعضی از انسان ها و ... ولی از آنجایی که این پاسخ ها علمی یا ثابت شده نیستند، یارای مقابله با شبهه مطرح شده را ندارند.

در این بین تنها حامی دین خدا، یعنی سید احمد الحسن الیمانی ع پاسخی علمی، از نگاهی نو ارائه فرمودند که نه دین و نه علم را نادیده نمی انگارد و اصطلاحاً بین آن دو جمع می کند.

آن پاسخ از این قرار است: «اما مسئله عمر نوح علیه السلام و دیگر مسائلی که با واقعیت های علمی موجود مخالف است، نمی تواند آنچه را که ما اثبات کردیم (وجود خدا) دچار اشکال کند؛ چون ما می توانیم به طور خیلی مختصر بگوییم: هیچ اشکالی وجود ندارد که خداوند معجزاتی را انجام دهد؛ گرچه برخی از آن ها مخالف واقعیات علمی موجود باشد؛ زیرا آن معجزات، حالات استثنایی هستند که می خواهد در ابتدا انسان آغازین را در مسیر ایمان به خدایی که خالق جهان است قرار دهد؛ به طبع بعضی از این امور اساساً معجزه نیست، بلکه گزاره هایی است که فهم آن بر کسانی که زبان متکلم را نمی دانند دشوار است، زیرا کسانی که عوالم بالا که قرآن از آنجا نازل شده

سید احمد الحسن علیه السلام:

تنها با یک رفتار، با کسی به صورت دشمن ناصبی رفتار نمی شود، مگر اینکه یقین حاصل شود این کارش از روی عمد و با تعقل انجام شده است.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۷، سؤال ۷۲۹)

برای اینکه این مسئله ملموس تر شود باید بدانیم که آیاتی از قرآن نسبی بودن زمان را طرح کرده است:

يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَغْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ کار را از آسمان تا زمین سامان می دهد. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال شماسست به سوی او بالا می رود (سجده، ۵)؛ تَغْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ؛ در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است، فرشتگان و روح به آنجا فراروند. (معراج ۴)

آیات دیگری نیز در قرآن به این مسئله اشاره می کند، یعنی خداوند این مطلب را از پیش بیان فرموده بود؛ اما از آنجایی که مفسر حقیقی قرآن در بین مردم نبود، این مسئله تا به امروز مغفول مانده بود.

این کاملاً درست است که یک روز ملائک برابر با هزار سال و گاهی برابر با پنجاه هزار سال باشد؛ چراکه ملائک از جنس نور هستند و به همین دلیل می توانند با سرعت بالایی حرکت کنند و چون نظریه نسبیت خاص تبیین می کند هرچیزی که سرعت بیشتری داشته باشد، زمان کمتری خواهد داشت؛ و ملائک چون سرعت بالایی دارند، زمان کمتری خواهند داشت. بدین ترتیب، پنجاه هزار سال ما برای آن ها تنها یک روز به حساب می آید.

اما برای فهم دقیق تر پاسخ سید احمد الحسن علیه السلام نیاز داریم به این سؤال پاسخ دهیم که اگر یک روز ملائک پنجاه هزار سال ما می شود، پس عمر عادی حضرت نوح ع برای چه کسی هزار سال درک می شود؟

ارتفاع آن جدول مقایسه کند، بازهم هیچ تغییری را حس نمی کنی، زیرا خودش و اندازه آن خط کش هم دقیقاً به همان نسبت میز کشیده شده اند.

اگر این مطلب روشن شد، می توان فهمید **هر ناظری که می تواند از خارج منظومه عالمی که در آن زندگی می کنیم، این جهان را کنترل کند، اندازه گیری هایش قطعاً از اندازه گیری های خود ماکه در درون این عالم زندگی می کنیم، متفاوت و مختلف خواهد بود.** پس اگر روند جهان مادی به طور کلی تغییری کند، مثل اینکه زمان (به عنوان بُعد چهارم جهان) کشیده یا کوتاه شود، یا به بیان ساده تر کند یا تند شود، ماکه در درون این جهان زندگی می کنیم نمی توانیم

این تغییر را بسنجیم یا بشناسیم، اما ناظری که

از بیرون منظومه جهانی که در آن زندگی می کنیم می تواند اوضاع جهان را کنترل کند، به ما ارقامی خواهد داد که با

اندازه گیری های ما

بسیار متفاوت است.

این موضوع به اختصار

برای ما روشن می کند

که ناظر خارجی (مثلاً خدای

سبحان یا ملائکه) هنگامی که درباره

عمر نوح علیه السلام و قومش از آن ها سؤال کنید

یا خودشان سخن بگویند، به شما عددی می دهند که از آنچه شما در داخل این منظومه آفرینش اندازه گیری کرده اید بسیار متفاوت است؛ و هنگامی که از او بخواهی عمر انسان امروزی را با عمر انسان ۱۵۰۰۰ سال قبل مقایسه کند، به شما اعداد مختلفی خواهد داد؛ با اینکه شما هیچ اختلاف ملموسی را در اندازه های مادی و حدودش که در آن زندگی می کنیم نمی یابید.»



سید احمد الحسن علیه السلام:

به طور کلی با مردم با مهربانی رفتار کنید تا خداوند احوال شما را اصلاح و به واسطه شما، آفریده هایش را به راه مستقیمش هدایت کند.

(پاسخ های روشنگرانه، جلد ۷، سؤال ۷۲۹)



منقبض شود؟

طبق نظریه نسبیت خاص، هر اندازه سرعت چیزی کم شود، زمانش بیشتر و هر اندازه که سرعت چیزی بیشتر شود، زمانش کمتر می شود؛ یعنی زمان با سرعت نسبت عکس دارند. پس اگر فرض بگیریم سرعت زمین یا منظومه شمسی یا تمام جهان مادی کم شود، زمان آن بیشتر می شود؛ ولی این گونه نیست که موجوداتی که درون این جهان هستند لزوماً متوجه این اتفاق باشند. به همین ترتیب اگر سرعت جهان مادی یا زمین اگر بیشتر شود، زمان آن کمتر خواهد بود.

پس اگر فرض بگیریم که در برهه ای از زمان که قرآن بدان اشاره دارد، این اتفاق افتاده باشد، بدین صورت که یا در زمان حضرت نوح ع سرعت جهان افزایش پیدا کرده باشد یا در زمانی که مخاطبین قرآن آن را لمس می کنند سرعت جهان کم شده باشد، این تفاوت زمانی حاصل می شود.

کاهش سرعت یا افزایش سرعت جهان نیز طبق نظریه جهان های موازی قابل تفسیر است. همان طور که هم اکنون جهان مادی در سیطره کنترل جهان های موازی است؛ چرا که اگر این گونه نباشد، جهان مادی با سرعت بسیار زیادی که دارد از هم گسسته خواهد شد.

در وصف آخر الزمان روایاتی دیده می شود که برای فهم مسئله به ما کمک می کنند: «یتقارب الزمان حتی تكون السنة كالشهر و الشهر كالجمعة و الجمعة كالیوم و الیوم كالساعة. شرح الکافی، ملا صالح مازندرانی ج ۱۱ ص ۴۴۵» زمان به هم نزدیک می شود و سال مانند ماه، ماه مانند هفته، هفته مانند روز و روز مانند یک لحظه می گذرد؛ و وقتی دولت حق مستقر شود، روند زمان معکوس می شود و «دولة الحق ابرّ الدول، اما انکم ستملکون بعدهم بالیوم یومین و بالشهر شهرین و بالسنة سنتین. کتاب سلیم بن قیس الهمالی، ج ۲، ص ۹۶۶» دولت حق نیکترین دولت هاست؛ شما بعد از آن ها از یک روز به اندازه دو روز و از یک ماه به اندازه دو ماه و از یک سال به اندازه دو سال خواهید داشت.

این روایات به ما می فهماند که زمان حتی بر روی زمین هم نسبی است؛ پس می توان تصور کرد که زمان حضرت نوح، برای دیگر اقوام، خصوصاً مخاطبین قرآن یا حداقل برخی از مخاطبین قرآن نهصد و پنجاه سال درک می شود، نه برای ملائک و کسانی که خارج از منظومه شاهد آن هستند.

بنابراین؛ ناظرین خارجی تنها گزارشگرانی هستند که به این دلیل که از واقعیت آگاه هستند به ما می گویند؛ نه اینکه خود تحت تأثیر این وضعیت قرار گرفته باشند. اما چه اتفاقی می تواند موجب شود که زمان منبسط و



سید احمد الحسن (علیه السلام):

[علی (علیه السلام)] هرگز اجازه نداد در حکومتش به زنان و کودکان ستمی روا داشته شود.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸)



جدول شماره دوم

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

سیداحمدالحسن علی‌علیه‌السلام:

اگر مقدار زیادی از اموال بیت‌المال نزد شما جمع شده است می‌توانید به‌عنوان مثال اقدام به سرپرستی یتیمان کنید حتی اگر خانواده‌شان از مؤمنان نباشند.

(پاسخ‌های فقهی مسائل متفرقه، جلد ۳، سؤال ۸۲)

افقی:

عمودی:

- ۱- حجت بعد از امام مهدی (علیه السلام) - جانشین
- ۲- داشتن سلطه بر شخص دیگر را می گویند -
- ۳- برای بیمار تجویز می شود - ریشه دار
- ۴- حرف نفی - جزیره ای در خلیج فارس - بند و رسن
- ۵- پیامبر یا از انبیای بنی اسرائیل - یکی از عناصر لازم برای بدن در تنظیم تیروئید - دعای عصر جمعه
- ۶- گیاه مرداب - نهري در عراق - بزرگ سال و توانا بر اخذ تصمیم
- ۷- به معنی غیر از او - دانش - تکرار حرف دوم
- ۸- از حروف تعجب فارسی در شعر و ادبیات کهن
- ۹- بالاپوش مردان در قدیم - ماه اول سال قمری - تکرار اسما و ذکر گفتن
- ۱۰- موجود عاقل غیر مکلف - از روش های ارتباط فرستادگان خداوند - شهر ابراهیم - در عربی به اموال عمومی می گویند
- ۱۱- در عربی به افراد با شخصیت و محترم می گویند - هشدار به جهنم - رویدنی زمین
- ۱۲- تکرار حرف آخر - از افعال مقاربه عربی به معنی نزدیک است - ابزار سوراخ کردن جامدات
- ۱۳- شبکه جهانی اطلاعات را می گویند - لیست و فهرست - در قرآن آمده که این لفظ را نباید به والدین گفت
- ۱۴- بیماری - لازمه ایمان ثابت
- ۱۵- بهشت خلد در آنجاست - از القاب پیامبر اعظم قبل از بعثت
- ۱۶- تولد این شخصیت عظیم در ماه ذی قعدة است - توان و قدرت
- ۱۷- نام سه تن از ائمه است - جمع دین - قربانی
- ۱- از ویژگی های خاص صاحب وصیت - اولین فرستاده
- ۲- پیروی از آن تنها راه هدایت در زمان ماست
- ۳- میان خودمانی - چه وقت؟ - نام یکی از یاران امام علی (علیه السلام) که خطبه متقین را امام به سبب ایشان ایراد فرمود
- ۴- از حروف منادا - می جوشد عربی - از سوره های جزء سی قرآن کریم - مدت و دوره در عربی
- ۵- معکوس تل - شهری سومری - درخشش و جلوه
- ۶- موضوع تاریخ
- ۷- راهنمایی - باز خواهد گشت عربی - بخش و جزء و سوژه
- ۸- پیامبر آهنگر - برادر پدر - گذشت عربی
- ۹- می بیند عربی - عدم اعتقاد به خدا را می گویند - نوای سوزناکی دارد - یازده
- ۱۰- مسافر نهنگ! - شهری در افغانستان که امام رضا (علیه السلام) در آن مدتی زندگی کرد - از اصحاب اناجیل مسیحی
- ۱۱- نصیب همه می شود - نیکویی و برکت
- ۱۲- خویشاوندان - از علامات محتوم خروج امام مهدی (علیه السلام)
- ۱۳- مهم ترین حدیث درباره خلافت پیامبر تا روز قیامت - بررسی نقاط ضعف و قوت آثار هنری و ادبی و عقاید و ...
- ۱۴- شکار - از اعضای جفتی در بدن هر انسان - دو بخش اول وام!
- ۱۵- گرد و دلیر - از ابزارهای نوشتن - همه بر آن خلق شده ایم

پاسخ این جدول در شماره آینده منتشر خواهد شد.

سید احمد الحسن (علیه السلام):

اسلام هیچ قید و بندی برای برعهده گرفتن (وظیفه) توسط زن حتی برای مناصب رهبری جامعه قرار نداده است، تا زمانی که شایسته آن باشد و آن وظیفه را به صورت کامل و صحیح به انجام برساند.

(پاسخ های فقهی مسائل متفرقه جلد ۴، سؤال ۹۶)



حل جدول شماره اول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
ه	ج	ح	ی	ذ		ه	د	ع	ق	ی	ذ	ل	و	ا	۱
م	ع	ا		ه	ی	ف	ق	ا	و		ی	د	ا	و	۲
ر	ف	ک		ن		د	ا	د	م	ا			ر	ل	۳
ی	ر	م	ق		و	ه	ی		ی		ر	ی	ث	ا	۴
ش		ی	و	ا	ر		ق	ا	ت	ا			ی	ل	۵
	ن	ت	م		ع	م		ح			ذ	ق	ن	م	۶
	م	ا	ی	ق		ن	ک	م	ت	م		ا	م	ه	۷
ن		ل		ل	ا	ب		د		ن	و	م	ل	د	۸
ه	ل	ل		م	ی	ع	ز		د	ک	ا		ک	ی	۹
ی	د	ه	ا		م		ن	و	م		ف	س	و	ی	۱۰
م	غ		ی	ع	ا	د		ر	و	ا	ی		ت	ن	۱۱
ن	ه		ث		ن	و	ی		ز			ا			۱۲
ک		س	ا	ن		د	ا	ع	ی	م		د	ی	ع	۱۳
ر		د	ر	ف	م		د	و		ن	ا	ب	ر	ق	۱۴
	و	ه		ی	ر	م		ن	ا	ت	س	ر	ا	ل	۱۵

سیداحمدالحسن (علیه السلام)

کتک‌زدن زن یک وضعیت طبیعی یا وضعیتی نیست که به‌طور معمول عمل به آن صحیح باشد.

(پاسخ‌های فقهی مسائل متفرقه، جلد ۴، سؤال ۱۲۶)

حالات شک و تردید در نماز



اگر در محل شک باشد (از محل آن عمل مشکوک عبور نکرده باشد) آن عمل مورد شک را انجام می‌دهد و نمازش را به پایان می‌رساند (مثل کسی که در تکبیرة الاحرام شک کند و هنوز داخل در قرائت نشده باشد که در این صورت تکبیرة الاحرام را می‌گوید و سپس قرائت را شروع کند؛ همچنین مانند کسی که در قرائت سوره شک کند و هنوز رکوع نکرده باشد که باید سوره را قرائت کند و بعد رکوع نماید)؛ ولی اگر از محل آن گذشته باشد (مثل کسی که پس از قرائت، در تکبیرة الاحرام، در رکوع یا در خوانده شدن سوره شک کند) به نمازش ادامه می‌دهد و فرقی نمی‌کند که آنچه مورد شک واقع شده رکن است یا رکن نیست، در دو رکعت اول باشد یا در دو رکعت پایانی.

کسی که در موردی از اعمال نماز شک کند و بعد یادش بیاید حکم چیست؟

نماز را تکرار کند.

اگر نمازگزار نداند چند رکعت نماز خوانده است چه حکمی دارد؟

سید احمد الحسن (علیه السلام):

در حکومت الهی اگر زن به دلیل کتک زدن شوهر اقامه دعوی کند به دعایش رسیدگی و اگر مرد خطایی مرتکب شده باشد مجازات می‌شود.

(پاسخ‌های فقهی مسائل متفرقه، جلد ۴، سؤال ۱۲۶)





کسی که در تعداد رکعت های نماز واجب دورکعتی شک کند باید آن را تکرار کند؛ مثل نماز صبح، مسافر، عید قربان و عید فطر اگر واجب باشد (یعنی شروط واجب بودن را دارا باشد) و نماز کسوف، و حکم نماز مغرب نیز به همین صورت است.



حکم شک در تعداد رکعت های نمازهای دورکعتی یا سه رکعتی چیست؟

بنا را برگمان و ظن خود بگذارد و حکم آن مانند وقتی است که می داند.

اگر به یکی از دو طرف شکش یقین حاصل نکند و در گمانش غلبه به یک طرف حاصل شود باید چه کار کند؟

اگر در دو رکعت اول از نماز چهاررکعتی شک کند نمازش را تکرار کند و اگر به دو رکعت اول یقین داشته باشد و در بقیه رکعت ها شک کند واجب است احتیاط نماید.

اگر در تعداد رکعت های نماز چهاررکعتی شک کند حکمش چیست؟

سید احمد الحسن علیه السلام

شالوده سیاست پیامبر ﷺ یا معصوم یا هرکسی از طرف آن ها نیابت داشته باشد، گسترش رحمت و دوستی بین مردم و بندگان خدا، هدایت مردم به سوی تعقل و تفکر، انتشار عدل و انصاف در جامعه و فراهم کردن مایحتاج مردم و ایجاد رفاه اقتصادی است.

(پاسخ های فقهی مسائل متفرقه، جلد ۴، سؤال ۱۲۶)





مسائل مربوط به احتیاط چهار قسمت است:

- ۱- کسی که بین رکعت دو و سه شک کند بنا را بر سه بگذارد و نماز را به پایان برساند و تشهد و سلام می‌دهد و بعد از سلام یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بگذارد.
- ۲- کسی که بین رکعت سه و چهار شک کند بنا را بر چهار بگذارد و تشهد و سلام بدهد و مانند مسئله قبلی احتیاط نماید.
- ۳- کسی که بین رکعت دو و چهار شک کند بنا را بر چهار بگذارد، تشهد و سلام بدهد و سپس دو رکعت ایستاده بخواند.
- ۴- کسی که بین رکعت دو و سه و چهار شک کند بنا را بر چهار بگذارد، تشهد و سلام بدهد و سپس دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بخواند.

چگونه احتیاط کند؟

در همه این صورت‌ها و موارد دیگر بهتر است نمازگزار بنا را بر کمتر بگذارد؛ بنابراین اگر وضعیت شک در کمتر از رکعت چهارم باشد (مثلاً بین دو و سه شک کند) بنا را بر کمتر بگذارد، نمازش را به پایان برساند و دو سجده سهو کند و اگر عدد کمتر، چهار باشد (مثلاً در تشهد شک کند که آیا در رکعت چهارم است یا پنجم) بنا را بر چهار بگذارد، سلام کند و دو سجده سهو به جا آورد و اگر در رکعت چهارم شک کند و هنوز نمازش را به پایان نرسانده باشد (به عنوان مثال شک کند که آیا در رکعت چهارم است یا پنجم) نماز را به پایان برساند، سلام دهد و دو سجده سهو به جا آورد.

آیا غیر از روشی که گفتید راه دیگری نیز وجود دارد که نمازگزار (در صورت بروز شک‌های چهارگانه فوق و موارد دیگر) عمل نماید؟

سید احمد الحسن علیه السلام:

وقتی سپاه یزید (لعنه الله) برای محاصره حسین آمدند و او را به جهت زمینه سازی برای به قتل رساندنش - مجبور به فرود در کربلا کردند، با وجود اینکه آنان دشمنانی بودند که برای گشتنش آمده بودند، به آنان آب داد.

(صفحه رسمی فیس بوک، ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۸)





در نماز احتیاط فقط قرائت فاتحه تعیین شده است.

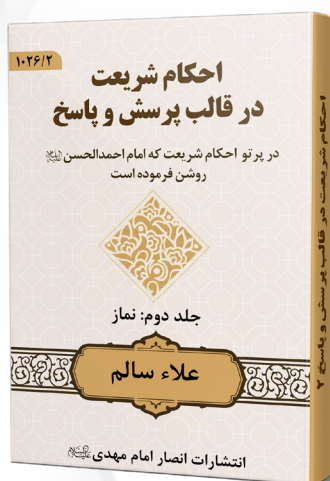


اگر بخواهد نماز احتیاط بخواند در نماز احتیاط چه چیزی تعیین شده است؟

نمازش باطل است و باید آن را تکرار کند.

اگر پیش از نماز احتیاط کار باطل‌کننده نماز انجام دهد حکمش چه خواهد بود؟

سید احمد الحسن علیه السلام، احکام شریعت در
قالب پرسش و پاسخ، جلد دوم، نماز



سید احمد الحسن علیه السلام:

کسی که به حسین ملحق نشود و راه و شیوه حسین را نیپوید، و حسین زمانش را دنبال نکند شهید نمی‌شود؛ یعنی در راه خدا کشته نمی‌شود و شاهی بر حق نیست، سپس او به فتح نمی‌رسد.

(متشابهات، جلد ۱، بخشی از پاسخ به سؤال ۱۴)

توصیف مهدی علیه السلام و یمانی علیه السلام

مِهتَابِ رُخِ یار به زیبایی اختر
پیشانی گسترده و ابروی کمانی
روحي که بلندی‌ش، بلندای عروج است
او قائم ذو خال سیاهی‌ست که گویی
مهدی‌ست که در بین خلایق به عیان و
هم‌نام نبی، صاحب بیعت به مقام است
در وصف، سخن کوتاه و اسرار عیان شد
قامت به قیام خود سرو است و صلابت
ذو منکب پهن است و در او شانه به شانه
بر پاکی گندم گن رخسارِ جمیلش
مجموعه‌ی احسان و وقار است و کمالات
آن شاه شهان است و بقایی ز خداوند
چون گردی خورشید شده صورتِ سرور
و آن خال چنان مُشکِ چکیده سرِ عنبر
هرچند که وُسطاست قد و قامتِ دلبر
طا‌های دگر در تن او گشته مصوّر
مخفی شده آن کس که گریزان شد و مضطر
اویی که تسلی شده بر اصغر و اکبر
موسی که بگویی همه کافی‌ست سراسر
پیداست در آن چهره‌ی موسایی و منظر
تاجِ عَلمِ انگار شود این سر و آن سر
بنشسته نشانی که شده آیه به دیگر
انگشترِ زیبای عقیق است یَدِ رهبر
این شبه‌مسیح است و به دستش شده لشکر

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْاَشْفَاءِ وَ اَلْمُهَيِّدِ

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی

و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که

منتظر شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با

سندی از علم و شگفتی ها آمده است.